



حسن حسن زاده آملی
عارف ربّانی و شارح صدرایی

عبدالله صلواتی

اشاره

حضرت علامه حسن‌زاده آملی (ملقب به نجم‌الدین)، از نوادر روزگار و نمونه بی‌بدیل فرهنگ جامع اسلامی است؛ احاطه کامل بر علوم گوناگون از جمله حدیث، تفسیر، فقه، فلسفه، عرفان، ریاضی، هیئت و نجوم، تشریح و از سوی دیگر، مقامات عالیه عرفانی و فتوحات روحی و تربیت صاحب‌دلان بزرگی که هم‌اکنون خود عهده‌دار تکمیل نفوس مستعدانده از ایشان شخصیت جامعی ارائه کرده است. حضرت استاد، از شارحان بزرگ حکمت متعالیه و عرفان اسلامی است و سالیان متمادی به تدریس و تألیف آثار در این زمینه اهتمام دارد. در این مقاله، به گوشه‌هایی از زندگی و آثار این بزرگوار و برخی خطوط فکری ایشان در باب حکمت متعالیه و عرفان اشاره می‌شود.

۱. زندگی علمی

استاد، در روزهای پایانی اسفند ۱۳۰۷، در روستای ایرای لاریجان آمل به دنیا آمد. دوران آغازین تحصیل را در مکتب و تحصیلات ابتدایی را در آمل سپری کرد. پس از طی کلاس ششم و وقفه یک سال و نیمه در تحصیل، بارقه الهی، که آغازش از سوره توحید بود، به ایشان روی می‌آورد و محبت تحصیل معارف قرآنی را در قلب ایشان می‌افروزد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «در سن چهارده سالگی به فضل پروردگارم، بارقه مشرقیه الهیه و شهاب قیسی به من رسید که به اقتضای عین ثابتهام مطلوب من بود. پس سر من به آنچه که زبان وحی به آن ناطق است مترنم شد که «اینی آنست ناراً لعلی آنیکم منها بقیس أو أجد علی النار هدی» و این بارقه همانند نوری در پیش رویم، شتافته و مرا به کسب معارف الهی راهنمایی کرد، و کرّه بعد کرّه به تخلق به اخلاق ربوبی، ترغیب، و مرّه بعد مرّه به تأدب به آداب انسانی تحریض می‌کرد و برهه بعد برهه مرا به فرار و انزجار از مردم زمان و آفتن‌های تباہ و پستشان تحریض می‌نمود»^۲.

وی در مهر ۱۳۲۳ در مسجد جامع آمل به تحصیل مشغول می‌شود و شش سال تمام در آمل به فراگیری کتاب‌های حوزوی از جمله شرح سیوطی بر الفیه، شرح جامی بر کافیه، حاشیه ملاعبدالله بر تهذیب تفتازانی، شرح قطب رازی بر شمسیه کاتبی قزوینی، شرح نظام بر شافیه، معالم الاصول، تبصره علامه حلی، مغنی، شرایع محقق، مطول، بخشی از شرح قوشچی بر تجرید الاعتقاد می‌پردازد و در سن بیست و یک سالگی، به دستور استادش آیت‌الله محمد غروی (رضوان‌الله تعالی علیه)، لباس روحانیت می‌پوشد^۳. زمان تحصیل ایشان مصادف با به حاشیه راندن دین و مظاهر دینی بود چنان‌که به تصریح ایشان در آن زمان بدون استثناء همه مساجد شهر آمل را به انبار پنبه و غلات و یکی از مساجد شهر را به طویل‌ه تبدیل کرده بودند^۴.

علامه حسن‌زاده، در آمل از محضر اساتید بزرگی بهره برده است که از آن جمله‌اند: آیت‌الله غروی، حاج شیخ احمد اعتمادی، شیخ ابوالقاسم رجایی، شیخ عبدالله اشراقی و شیخ عزیزالله طبرسی^۵.

در اول شهریور ۱۳۲۹، به تهران مهاجرت نمود و از محضر درس بزرگان آن روزگار، حضرت آیت‌الله شعرانی دروسی چون رسائل، مکاسب، کنایه، تعدادی از کتاب‌های جواهر الکلام، شرح اشارات، اسفار، چند کتاب از شفاء، تفسیر مجمع البیان، وافی و دروس طب، ریاضی و هیأت و نجوم را آموخت و از محضر آیت‌الله الهی قمشاهی، حکمت منظومه، شرح اشارات، اسفار (بخش الهیات بالمعنی الاخص)، تفسیر قرآن را فرا گرفت. همچنین از محضر آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی، در درس فقه و اصول، مرحوم فاضل تونی در شرح فصوص‌الحکم، مصباح الانس و بخشی از شفاء، آیت‌الله رفیعی قزوینی در اسفار و خارج فقه و مرحوم دانش‌پژوه در منطق ارسطو بهره جست. میرزا احمد آشتیانی و شیخ علی محمد جولستانی از دیگر اساتید ایشان در تهران بوده‌اند^۶.

در دوره اقامت در تهران، برخی از متون درسی حوزه در رشته‌های فقه، منطق، فلسفه، ریاضیات و هیئت را تدریس کرد^۷.

از آنجا که علم تشریح در آن روزگار، به زبان فرانسه بود، زبان فرانسه را فرا گرفت^۸. همچنین، به مدت نه سال (۱۳۳۷-۱۳۴۵) به استخراج تقویم و محاسبات فلکی پرداخت^۹.

در ۱۳۴۲، برای ادامه تحصیلات به قم عزیمت می‌کرد و به مدت هفده سال از محضر قدسی حضرت علامه محمدحسین طباطبایی بهره برد و کتاب‌هایی چون تمهید القواعد، اسفار (جلد نهم)، توحید بحر و جلد سوم بحر (در معاد و دیگر مسائل) و برهان منطق شفاء را از ایشان فرا گرفت^{۱۰}.

حدود چهار سال نیز نزد سیدمهدی قاضی فرزند آیت‌الله العظمی سیدعلی قاضی، به فراگیری علوم غریبه، اشتغال داشت^{۱۱}.

در قم، چند دوره منظومه، چهار دوره اشارات و یک دوره اسفار را به مدت چهارده سال تدریس فرمود. همچنین چهار

دوره شرح فصوص قیصری و تمهید القواعد و یک دوره مصباح الانس را تعلیم داد و هفده سال به آموزش ریاضیات و هیأت پرداخت.^{۱۲}

به مدت بیست و پنج سال در ایام تعطیلات حوزه تهران و قم، به شهر آمل رفته و جلسات درس و بحث در آنجا برقرار می‌نمودند. برخی از آثار استاد، حاصل تدریس و تلقین ایشان در بلد طیب آمل بوده است که از آن جمله‌اند: دروس معرفت نفس؛ انسان و قرآن؛ کلمه علیا در توفیقیت اسماء.

۲. برخی آثار فلسفی و عرفانی

حضرت استاد در علوم و فنون گوناگون از جمله حدیث، تفسیر، فقه، فلسفه، عرفان، ریاضی، هیئت و نجوم تألیفات متعددی تألیف نموده‌اند؛ که به مناسبت، به‌شمار اندکی از آثار تألیفی و تحقیقی ایشان، اشاره می‌شود:

۱. شرح العیون فی شرح العیون، مشتمل بر ۶۶ فصل با عنوان عین در معرفت نفس، به عربی. این اثر مشتمل بر امهات آراء بزرگان حکمت و عرفان به همراه تحلیل و ارزیابی حضرت استاد در باب معرفت نفس و مسائل مرتبط با آن است.
۲. دروس شرح اشارات و تبیہات مشتمل بر شرح فلسفی و عرفانی هفت نمط اشارات، به فارسی. در این اثر، عبارات شیخ‌الرئیس به نیکوترین وجه شرح شده و ضمن طرح مسائل بر پایه رهیافت مشایی، به تعالی و دگرگونی آن مسائل در رهیافت وجودی و حکمت متعالیه اشاره می‌شود و از این رهگذر بر آراء و مبانی فکری ماتن (ابن سینا) و شارح (خواجہ نصیرالدین طوسی)، انتقاداتی وارد می‌شود.^{۱۳}

۳. دیوان اشعار، مشتمل بر بیش از چهار هزار بیت است. اشعار دیوان، اعم از غزلیات، قصاید، رباعیات، دوبیتی‌ها و ترجیع بندها، به سبک و بحور عروضی اشعار شاعران پیشین است، به عنوان نمونه قصیده تائیه عربی با نام «ینوع‌الحیات» حاوی چهارصد و بیست و پنج بیت به سبک تائیه ابن‌فارض است و قصیده یائیه فارسی با عنوان «صحراویه» شامل یک‌صد و دو بیت به سبک قصیده یائیه میرفندرسکی سروده شده است. «دفتر دل» در این دیوان نیز از جایگاه خاصی برخوردار است.^{۱۴} دفتر دل به اوزان فصوص‌الحکم شیخ اکبر ابن‌عربی است؛ همان‌طور که فصوص‌الحکم به بیست و هفت کلمه تامه الهی می‌پردازد، دفتر دل نیز بیانگر تطورات دل‌عارف در نوزده مشهد، برپایه کریمه «بسم الله الرحمن الرحیم» و به عدد حروف آن است. این دفتر، دربردارنده یک دوره مباحث عرفان اسلامی و عملی است.^{۱۵}

۴. معرفت نفس، مشتمل بر یک‌صد و پنجاه درس است. این اثر ماندگار بارها به چاپ رسیده است. چاپ نخست دفتر اول آن در ۱۳۶۱ و چاپ اول دفتر دوم و سوم آن در ۱۳۶۲ و در سی هزار نسخه بوده است. این کتاب به تصریح حضرتشان درباره مراحل آغازین معرفت نفس بوده و آن را طی سالیان متمادی در آمل برای مشتاقان و طالبان کمال تدریس و تلقین فرموده‌اند. و جناب صمدی‌آملی، از شاگردان برجسته استاد، نیز سالیانی است که به شرح آثار استاد علامه به ویژه دروس معرفت نفس، اهتمام دارند. نگارنده توفیق آن را داشته که در محفل دروس شرح معرفت نفس ایشان، که به معنای دقیق کلمه تدریس حکمت متعالیه بود، حضور یابد.

۱. الحجج البالغة علی تجرد النفس الناطقة؛ ۲. دروس اتحاد

عاقل به معقول؛ ۳. شرح فص حکمة عصمیتة فی کلمه فاطمیتة؛

۴. نصوص‌الحکم بر فصوص‌الحکم. شرحی بر فصوص‌الحکم

فارابی، به فارسی؛ ۵. وحدت از دیدگاه حکیم و عارف. در

توحید به فارسی؛ ۶. انسان در عرف عرفان: طرح

وقایع عرفانی که برای حضرت استاد رخ داده

است و شرح آن، به فارسی؛ ۷. خزانه چهل

گوهر شب چراغ، چهل حدیث عرفانی؛ ۸.

تصحیح و تعلیقه بر شرح فصوص‌الحکم

قیصری در دو جلد به عربی؛ ۹. ممذ‌الهمم

در شرح فصوص‌الحکم، به فارسی؛ ۱۰.

نامه‌ها و برنامه‌ها، برخی مکتوبات حضرت

حضرت استاد

در علوم و

فنون گوناگون

از جمله حدیث،

تفسیر، فقه، فلسفه،

عرفان، ریاضی،

هیئت و نجوم

تألیفات متعددی

تألیف نموده‌اند.

همچنین ایشان

با طرح آیات و روایات،

پیرامون مباحث فلسفی

و عرفانی، بر پندار

ناسازگاری حقایق

حکمی با آیات و

روایات خط بطلان کشیده

و مخاطب را

با برخی از

زوایای پنهان و

ناشناخته مباحث

آشنا می‌کند.





استاد، به فارسی؛ ۱۱. گشتی در حرکت، به فارسی؛ ۱۲. العمل الضابط فی الرابطی و الرابط؛ ۱۳. النور المتجلی فی الظهور الظلی، در وجود ذهنی به عربی؛ ۱۳. صد کلمه در معرفت نفس، به فارسی؛ ۱۴. الهی نامه، به فارسی؛ ۱۵. خیر الاثر، در رد جبر و قدر به فارسی؛ ۱۶. هزار و یک نکته؛ ۱۷. هزار و یک کلمه؛ ۱۸. عرفان و حکمت متعالیه؛ ۱۹. انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه؛ ۲۰. انسان و قرآن؛ ۱۲. قرآن، عرفان و برهان از هم جدایی ندارند؛ ۲۲. رساله مدارج و معارج؛ ۳۲. رساله لوح و قلم؛ ۴۲. رساله‌ای در لقاء الله؛ ۲۵. رساله‌ای در ولایت تکوینی؛ ۲۶. أنه الحق؛ ۲۷. نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور؛ ۲۸. کلمه علیا در توفیقیت اسماء، به فارسی؛ ۲۹. لیلۃ القدر و فاطمه علیها السلام؛ ۳۰. شرح باب توحید حدیقه الحقایق سنایی غزنوی؛ ۳۱. تصحیح و تعلیقه بر اسفار اربعه ملاحظه، با عنوان مفاتیح الاسرار سلاک الاسفار؛ ۳۲. تصحیح و تحقیق شرح فصوص الحکم تاج الدین خوارزمی، به فارسی؛ ۳۳. تصحیح و تعلیقه بر شرح المنظومه حکیم سبزواری، مشتمل بر مباحث منطقی و فلسفی، به عربی؛ ۳۴. تصحیح و تعلیقه بر الدر المکنون و الجوهر المصون فی علم الحروف شیخ اکبر ابن عربی؛ ۳۵. تصحیح و تحقیق الهمیات من کتاب الشفاء ابن سینا؛ ۳۶. تصحیح و تحقیق النفس من کتاب الهمیات الشفاء ابن سینا؛ ۳۷. تصحیح و تعلیقه بر تمهید القواعد صائن الدین علی ترکه؛ ۳۸. تصحیح و تعلیقه بر کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد؛ ۳۹. شرح نهج البلاغه در پنج جلد به عربی؛ ۴۰. رساله‌ای در نفس الامر به عربی؛ ۴۱. رساله‌ای در علم؛ ۴۲. من کیستم؛ ۴۳. شرح چهل حدیث در معرفت نفس؛ ۴۴. ترجمه مدینه فاضله فارابی و تعلیقات فارسی بر آن؛ ۴۵. ترجمه و تحشیه رساله الجمع بین الرأیین فارابی^{۱۶}.

برخی از آثار که درباره حضرت استاد، احوال، آراء و آثار ایشان به نگارش درآمده اند عبارتند از:

۱. مآثر آثار (لطائف نوری)، تدوین استاد داود صمدی آملی، مشتمل بر لب لباب برخی آثار حضرت علامه، در ۱۹۴ مؤثر، که نگارنده آن درصدد است آن را در هزار و یک مؤثر به اتمام رساند.
۲. شرح دروس معرفت نفس، شرح دفتر دل... از سوی استاد داود صمدی آملی.
۴. گفت‌وگو، مشتمل بر شانزده گفت‌وگو با حضرت استاد، به کوشش محمد بدیعی..
۵. نجم الدین: نیم نگاهی به زندگینامه حضرت آیت‌الله حسن زاده آملی، تألیف محسن برزگر.

۳. برخی خطوط فکری در حکمت متعالیه و عرفان

ایشان، به مباحث فلسفی و عرفانی، به عنوان مسائل تاریخی نگاه نمی‌کند، بلکه به مثابه امور بهرمنند از حیات و مرتبط با تکامل انسان می‌نگرد و برای فهم بنیادین و عمیق مباحث، مخاطب را به سفری انفسی فرا می‌خواند، سفری که بر پایه آن حکمت متعالیه به معنای دقیق‌اش، یعنی همراهی ذوق با فهم، تحقق می‌یابد. در این راستا وی در بسیاری از مباحث

اهتمام به معرفت نفس و تفسیر انفسی مسائل از دغدغه‌های محوری و مبنایی ایشان به‌شمار می‌رود.

ایشان بر این عقیده است آن‌که حق معرفت نفس روزی‌اش شده، فیلسوف است.

فلسفی، همچون مثل افلاطونی ... افزون بر شرح دقیق مسائل، از شکار حقایق از طریق پیوند شهودی، سخن می‌گویند و پیوندی که اساساً بدون آن، مباحث، به درستی فهم نمی‌شوند. از دیگر ویژگی‌های تدریس حکمت متعالیه از سوی ایشان، نگاه وجودی به مباحث است بدین معنا که، همانند ملاصدرا، مخاطب را از قفس تنگ ذهن و مفاهیم انباشته در آن، به سوی وادی نامتناهی وجود و متن واقع فرا می‌خوانند.^{۱۷}

همچنین ایشان با طرح آیات و روایات، پیرامون مباحث فلسفی و عرفانی، بر پندار ناسازگاری حقایق حکمی با آیات و روایات خط بطلان کشیده و مخاطب را با برخی از زوایای پنهان و ناشناخته مباحث آشنا می‌کند. افزون بر آن، به مدد مباحث فلسفی و عرفانی، چهره باطنی آیات و روایات را تصویر کرده و اسرار آنها را آشکار می‌کنند.

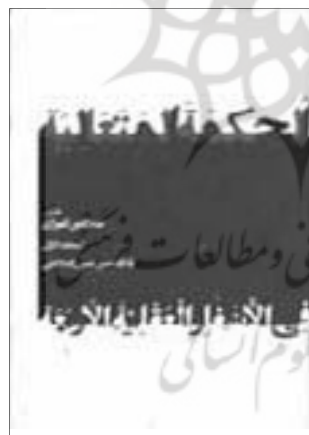
اهتمام به معرفت نفس و تفسیر انفسی مسائل از دغدغه‌های محوری و مبنایی وی به‌شمار می‌رود. انسان را بزرگترین جدول بحر وجود، جامع‌ترین دفتر غیب و شهود و کامل‌ترین مظهر واجب‌الوجود^{۱۸} معرفی می‌کند و معرفت نفس را قطب

قائمه معارف ذوقیه، محور جمیع مسائل علوم عقلیه و نقلیه، اساس همه خیرات و سعادات، اقرب طرق به ماورای طبیعت و صراط مستقیم خداشناسی^{۱۹} می‌داند و بر این عقیده است آن که حق معرفت نفس روزی‌اش شده، فیلسوف است^{۲۰} و در بیان ابتناء تبیین همه مسائل اصیل فلسفی و عرفانی بر رابطه معرفتی نفس و حق می‌فرماید: «آن که «من عرف نفسه فقد عرف ربه» را درست فهم کند، جمیع مسائل اصیل فلسفی و مطالب قویم حکمت متعالیه و حقایق عرفانی را از آن استنباط تواند کرد؛ لذا معرفت نفس را مفتاح خزائن ملکوت فرمود.^{۲۱}»

اکثر آثار وی در راستای شناخت گوهر یکدانه نفس است. توصیه علمی و عملی ایشان به هر انسانی که خویش را به دست فراموشی نسپرده، این است که کتاب وجود خودتان را مطالعه کنید و آن را فهمیده ورق بزنید و خودتان را فراموش نکنید.^{۲۲}

او در عصر ما، در جامعیت و اهتمام به معرفت نفس، به لحاظ کمیت آثار و کیفیت آن، یگانه است.

نزد وی، اساس حکمت متعالیه، فصوص الحکم و فتوحات مکیه است و تمهیدالقواعد و مصباح الانس از فروع آن دواند و کتاب عظیم‌الشان اسفار، شرحی محققانه بر آنهاست.^{۲۳} ایشان در موضعی می‌گویند: «رساله‌ای به نام عرفان و حکمت متعالیه نوشته‌ایم که مصادر و مأخذ آرای قویم و حکیم اسفار را از کتب قیم عرفانی یافته‌ایم و نقل کرده‌ایم. اسفار را شرح دل‌آرای مطالب متین صحف نوری از قبیل فتوحات مکیه، مصباح الانس، شرح قیصری بر فصوص الحکم، تمهیدالقواعد و کتب عین‌القضات و نظایر آنها یافته‌ایم.»^{۲۴} البته این بدان معنا نیست که ایشان، اسفار را کتاب فلسفی تلقی نکند؛ چنان که در موضعی می‌فرماید: «حکمت متعالیه اسفار یک دریایی است مبتنی بر مسائل بسیار محکم و سنگین و ثقیل و وزین قرآنی و اسلامی و انسانی که همه ناظر به یک حقیقتند و آن کتاب عظیم‌الشان، حقایق بلند مشایخ عرفان را به برهان درآورده است و کتاب، کتاب فلسفه است. البته فلسفه بدان معنایی که به عرض رساندیم (یعنی حکمت متعالیه که در آن، برهان به همراه وجدان، شهود، رسیدن و چشیدن مطرح است).»^{۲۵}



استاد، فص جدیدی با عنوان «فص حکمه عصمتیه فی کلمة فاطمیه» بر ۲۷ فص کتاب فصوص الحکم ابن‌عربی افزوده، در پایان این فص، درباره آن می‌نویسد: «انگیزه من بر تدوین این صحیفه مکرمه، القایی سیوخی بود که نصیب یکی از شاگردان ما شد، وی که حائز منقبت علم و عمل است، به هنگامی که تدریس فصوص الحکم به فص عیسوی رسید، در یک توجه روحانی، عنوان این صحیفه نوری به این عبارت "فص حکمه عصمتیه فی کلمة فاطمیه" از قلبش بر زبانش جاری شد، از این عنوان خیلی خوشم آمد، در روح من دمیده شد که در بیان آن به مطالبی که القاء کردیم و آن را به شما هدیه کردیم، در بیان این فص بنگاریم و این را تتمه فصوص الحکم قرار دادیم.»^{۲۶}

حکیم حسن‌زاده آملی، موافق با بسیاری از حکمای الهی، بر این عقیده است که با حکمت قولی و دل‌خوش کردن به الفاظ مستعار و اعتباری، نمی‌توان اهل سعادت حقیقی شد. ایشان در این باره می‌فرماید: «برهان ما را دلالت می‌کند که انسان

حکمت قولی را در این نشئه دنیاویبه می‌گذارد و ترک می‌گوید و آنچه دارایی حقیقی انسان است، حکمت عملی اوست که عین گوهر ذاتش و نور نفس ناطقه‌اش می‌گردد. پس آن‌گاه علم، نور نفس می‌گردد و انسان بدان از قوه به فعل می‌رسد که لباس عمل پوشیده است، یعنی، در واقع، مآل علم به عمل است؛ که تا علم، عمل نشد، حکمت قولی است، فافهم،^{۲۷} همچنین: «کسانی که با قوه خیال پیش رفتند و به الفاظ مستعار و اعتباری دل خوش کرده‌اند، فردا معلوم می‌شود که چه کاره‌اند، فردا "یوم الحسرة" در پیش دارند، "إن هولاء یحبون العاجلة و یذرون وراء هم یوماً تقیلاً" (انسان / ۷۳).^{۲۸}

البته این بدان معنا نیست که به‌طور کلی، خط بطلان بر منشورات فکری و علوم حصولی بکشد، بلکه بیش از دیگران، انسان را به تحصیل علوم و معارف دعوت می‌کند و بالاتر از آن فراگیری برخی کتب را در فهم قرآن و روایات ضروری می‌داند. چنان‌که در این باره می‌فرماید: «... قسم به جانم، آن‌کس که فهم مطالب تمهید القواعد شرح قیصری بر فصوص الحکم، مصباح الانس، اشارات و تنبیهات، شفاء، اسفار و فتوحات مکيه روزی‌اش نشده، فهم تفسیر انفسی آیات قرآنی و جوامع روایی روزی‌اش نمی‌شود... مگر آنکه از عالم قدس به وجهی دیگر، بدون تعلیم و تعلم متعارف رزق او گردد.»^{۲۹} همچنین بر این عقیده است که عرفان اصیل عرفانی، تفسیر انفسی قرآن کریم و روایات صادر از بیت عصمت و طهارت - علیهم‌السلام - است و قرآن که کشف تام و اتم محمدی - صلی‌الله علیه و آله - است، عین برهان و عرفان است.^{۳۰}

به نظر وی، میراث علمی یونان با معارف اسلامی قابل مقایسه نیست و این گفتار مشهور را که می‌گوید: «فلسفه و منطق از یونان اخذ شده است» را سخنی سطحی و نادرست می‌داند و با استناد به گفتار ابن‌سینا معتقد است گفته‌های فیلسوفان پیش از اسلام را خام ارزیابی می‌کنند.^{۳۱} و بر این عقیده است که فیلسوفان مسلمان، شاگردان مکتب خاتم‌الانبیاء - صلی‌الله علیه و آله - هستند.^{۳۲}

قرآن را به عنوان فلسفه واقعی مطرح می‌کند: «چراکه قرآن به نحو اتم و اکمل عهده‌دار علم به احوال و اعیان موجودات است.»^{۳۳} همچنین به عنوان نمادی از صلح کل، درصدد تقریب مذاهب فکری بوده و با قاعده روش‌شناختی عدم افتراق قرآن، عرفان و برهان، بر این مهم تأکید می‌ورزد و تفاوت فیلسوف و عارف را به نحو تشکیکی می‌داند نه تباینی^{۳۴}؛ در موضعی می‌گوید: «... بین فقها، حکما و عرفا اختلافی نیست. اگر کسی حرف اختلاف بین آنان، به میان آورد، سخن آنها را ادراک نکرده است.»^{۳۵}

برخی از اصول و امهاتی که ایشان مطابق با حکمت متعالیه در آثارشان بیان کرده‌اند، عبارتند از:

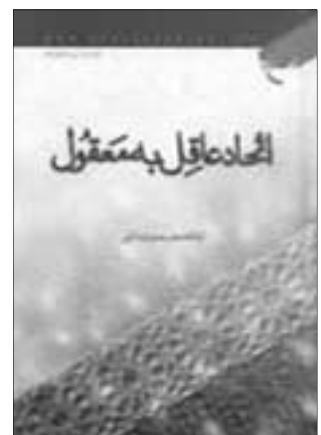
- عالم یعنی علم انباشته روی هم.^{۳۶}
- انسان، ترازوی سنجش انسان است و مراد از انسان، انسان کامل است چنان‌که حضرت امام جعفر - صادق علیه‌السلام - ذیل آیه شریف «و نضع الموازین القسط لیوم القیامة» می‌فرماید: هم الانبیاء و الاوصیاء.^{۳۷}
- قرآن ادبستان است، یعنی نگهدار حد انسان است تا انسان از مسیر انسانی

به در نرود.^{۳۸}

- مقام انبیاء عظام، مقام «اذا شاء أن علم علم» و فوق تفکر است؛ و اگر شخص عاقلی بگوید انبیاء عظام دارای فکر نبودند، تعظیم آنها کرده است.^{۳۹}

- انسان دارای درجات سه‌گانه تجرد است؛ تجرد غیرتام یا خیالی، تجرد تام عقلی و تجرد اتم که فوق تجرد عقلی است؛ تجرد فوق عقلی به معنای حد یقف نداشتن انسان در مسیر کمال است به دیگر سخن، انسان برپایه تجرد اخیر، فاقد وحدت عددی و بهره‌مند از وحدت حقه حقیقیه ظلیه است و با این‌گونه از تجرد، از عقول و ملائک ممتاز و درخور مقام معراج می‌گردد.^{۴۰}

- علم و عمل، جوهر و مقوم انسان‌اند و اساساً انسان چیزی جز علم و عملش نیست و نفس، با آن دو، اتساع وجودی می‌یابد؛ علم مشخص روح و عمل، مشخص بدن اخروی است و آن دو به لحاظ اتحاد وجودی با نفس، از سنخ وجود و فوق مقوله‌اند.^{۴۱}



مطالب مختصری که در شرح حال و آراء حضرت استاد مطرح شده، در واقع ساحل پیمایی بیش نبوده است؛ چنان که ایشان، درباره خود در قصیده تائیه‌شان با نام ینبوع الحیات می‌فرمایند:

وانی لک الخبر بحالی و انما
تری جدتی لست تری ما بلجتی^{۴۲}
و به قول حافظ(ره):

در حریم عشق نتوان زد دم از گفت و شنید
زانکه آنجا جمله اعضاء چشم باید بود و گوش

منابع

- علامه حسن‌زاده آملی، حسن، انسان و قرآن، قم، انتشارات قیام، ۱۳۷۵.
- همو، دروس شرح اشارات و تنبیهات، نمط سوم تا دهم، قم، آیت اشراق، ۱۳۸۶.
- همو، در آسمان معرفت، تذکره اوحدی از عالمان ربانی، قم، انتشارات تشیع، ۵۷۳۱.
- همو، دروس معرفت نفس، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱-۱۳۶۲.
- همو، دیوان اشعار، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۴.
- همو، سرح العیون فی شرح العیون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه، ۱۳۷۹.
- همو، گفت‌وگو، محمد بدیعی، قم، ۱۳۸۰.
- داود صمدی آملی، مآثر آثار (لطائف نوری)، قم، نشر الف لام میم، ۱۳۸۶.
- ممدالهمم در شرح فصوص الحکم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
- محسن برزرگر، نجم‌الدین، نیم‌نگاهی به زندگینامه حضرت آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی، قم، اشک‌یار، ۱۳۸۵.
- صمدی آملی، داود، شرح دفتر دل، ج ۱، قم، انتشارات نبوغ، ۱۳۷۹.
- شرح نهضت الحکمه، قم، انتشارات قائم آل محمد(ص)، ۱۳۸۶.

پی‌نوشت‌ها

۱. در آسمان معرفت، صص ۴۰۹ - ۴۰۵: گفت‌وگو، گفت‌وگوی اول، صص ۲۱ - ۲۲.
۲. در آسمان معرفت، صص ۴۰۹ - ۴۰۸.
۳. همان، صص ۴۱۷ - ۴۱۴: گفت‌وگو، گفت‌وگوی اول، صص ۲۳ - ۲۴.
۴. همان، گفت‌وگوی پنجم، صص ۹۸.
۵. در آسمان معرفت، صص ۴۱۵: گفت‌وگو، گفت‌وگوی پنجم، صص ۹۹.
۶. آسمان معرفت، صص ۴۲۷ - ۴۱۸.
۷. همان، صص ۴۲۸.
۸. نجم‌الدین، صص ۱۱۳ - ۱۱۲.
۹. آسمان معرفت، صص ۴۲۴ - ۴۲۳.
۱۰. همان، صص ۴۳۶ - ۴۳۵.
۱۱. همان، صص ۴۳۸.
۱۲. نیم‌نگاهی به زندگینامه حضرت آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی، صص ۱۳۹.
۱۳. رک: دروس شرح اشارات و تنبیهات، ج ۱، صص ۴۵۵.
۱۴. گفت‌وگو، گفت‌وگوی هشتم، صص ۱۷۲.
۱۵. شرح دفتر دل، صص ۱۵۸ - ۱۵۷.
۱۶. گفت‌وگو، گفت‌وگوی اول، صص ۶۰ - ۵۶.
۱۷. رک: شرح نهضت الحکمه، صص ۲۵.
۱۸. دروس معرفت نفس، دیباچه.
۱۹. همانجا.
۲۰. مآثر آثار (لطائف نوری)، صص ۱۶۵.
۲۱. همانجا.
۲۲. شرح اشارات و تنبیهات، صص ۷۹.
۲۳. مآثر آثار (لطائف نوری)، صص ۲۸۱.
۲۴. گفت‌وگو، گفت‌وگوی دوازدهم، صص ۲۳۹.
۲۵. در آسمان معرفت، صص ۶۰.
۲۶. ممدالهمم در شرح فصوص الحکم، صص ۶۸۲.
۲۷. انسان و قرآن، صص ۱۱۱.
۲۸. شرح اشارات و تنبیهات ابن‌سینا، نمط هفتم، فی‌التجريد، صص ۲۸۶.
۲۹. رک: مآثر آثار (لطائف نوری)، صص ۲۸۱.
۳۰. گفت‌وگو، گفت‌وگوی دوازدهم، صص ۲۳۹ - ۲۳۸.
۳۱. همان، گفت‌وگوی اول، صص ۵۰ - ۴۹.
۳۲. همان، گفت‌وگوی اول، صص ۴۸.
۳۳. همان، گفت‌وگوی چهارم، صص ۹۲.
۳۴. رک: همان، گفت‌وگوی چهارم، صص ۹۴.
۳۵. همان، گفت‌وگوی چهارم، صص ۹۶.
۳۶. دروس معرفت نفس، صص ۳۴۹.
۳۷. شرح اشارات و تنبیهات، نمط پنجم، صص ۹۲.
۳۸. همان، نمط هفتم، صص ۲۹۶ - ۲۹۵.
۳۹. همان، نمط هفتم، صص ۱۶۰.
۴۰. همان، نمط هفتم، صص ۸۵؛ سرح العیون فی شرح العیون، صص ۴۷۸؛ دروس معرفت نفس، صص ۳۳۶.
۴۱. سرح العیون فی شرح العیون، صص ۹۲۳.
۴۲. دیوان اشعار، صص ۴۳۹. معنی شعر: تو از من چه خبر داری و حال این‌که کناره دریای وجودم را می‌نگری و دل آن را نمی‌بینی.